

دو فصلنامه تفسیر پژوهی  
سال دوم، شماره سوم  
بهار و تابستان ۹۴  
صفحات ۱۶۱-۱۳۹

## بررسی جنبه‌های معناشناسی ماده «رغب» در قرآن کریم (با تمرکز بر رویکردهای تفسیری شیعه)\*

دکتر محمد صالح شریف عسکری\*\*

دکتر مهدی شفائی\*\*\*

### چکیده

قرآن کریم مجموعه‌ای از مهمترین عناصر محتوایی، بیانی و بلاغی را شامل می‌شود که علاوه بر دستورات گوناگون و حیات بخش برای زندگی انسان‌ها، مجموعه‌ای چندبُعدی از علوم گوناگون عقلی و نقلی را عرضه کرده است؛ در میان این دانش‌ها، علوم بلاغی و لغوی جایگاه ممتازی دارند؛ چراکه از یکسو باعث فهم صحیح‌تر و رساتر کلام خداوند می‌شوند و از سوی دیگر بر جنبه‌ی اعجاز‌آمیز بلاغت و بیان وحی الهی - در مقارنه و معارضه با سایر سخنان - تأکید می‌کنند. مقاله‌ی حاضر، در راستای بررسی وجوه گوناگون معناشناسی واژگان قرآن، تحقیقی است در جهت توجه و شناخت خصایص مختلف بیانی و محتوایی ماده‌ی «رغب» در قرآن کریم با تکیه بر دیدگاه‌های تفسیری شیعه. نگارنده، در پژوهش حاضر، وجوه مختلف لغوی و معنا شناسی واژه «رغب» را بررسی کرده، و در این

---

\*- تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۹

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی. sharif\_askari@khu.ac.ir

\*\*\* دکترای زبان و ادبیات عربی؛ مدرس دانشگاه فرهنگیان - پردیس علامه امینی تبریز (نویسنده مسؤل)

mehdishafayi@gmail.com

مسیر، از مهمترین معاجم و کتب حوزه لغت و معنا از متقدمان و متأخران بهره برده است؛ «رغب» از اصول قرآنی می‌باشد؛ و مجموعاً در قرآن کریم هفت لفظ از این ماده، در هشت آیه (سه آیه از سُورِ مَکِّي و پنج آیه از سُورِ مدنی) ذکر شده است؛ این ماده به معنی نوعی از انواع حُبّ است که بر معنای شدت اراده و میل و مقتضای حرص نسبت به چیزی دلالت می‌کند؛ همچنین مشخص گردید اگر «رغب» به همراه «عن» بیاید - چنانکه در سوره مریم آیه ۴۶ آمده است - معنای نقیضی «روی برگردانید و اعراض کرد» می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر، نشانگر آن است که: در قرآن کریم، یا استناد بر کتب تفسیری شیعه، ساختار و محتوای آیات، پیوند مستحکمی با رویکردهای معناشناسی دارد چنانکه در ماده رغب نیز بنا به فراخور بحث، معانی مختلفی اراده شده است، بر همین اساس، در منظومه معنایی این واژه در آیات، می‌توان به دریافت‌هایی همچون «خواستن»، «امیدوار بودن»، «پناه بُردن»، «روی نمودن و متوجه شدن»، «میل داشتن و آرزو نمودن» اشاره کرد.

**کلید واژه‌ها:** قرآن کریم، ماده «رغب»، معناشناسی، تفسیر، انواع حُبّ

## ۱- مقدمه

بحث و توجه به حوزه‌ی معناشناسی قرآن، تناسب و پیوند این مباحث را با ارتباط میان مخاطب و متن، به روشنی اثبات می‌کند؛ این تناسب در استمرار ارتباط آدمی با واقعیت نهفته است یعنی واقعیت روانی در قدرت بر تحرک وی در طول روزگاران؛ از همین جاست که مؤلفه‌های اساسی در رفتار بشری آشکار می‌گردد و خطاب آفریدگار با بنده رخ می‌دهد (رک: یاسوف، ۱۳۸۸: ۳۷) و به همین دلیل است که کلام الهی و نصّ قرآن مجید، در نظر بسیاری از علمای مذهب و ادب، صورت معجزه دارد؛ تمامی قرآن از نظر هماهنگی شدید در حروف و کلمات و

پیوستگی و ترکیب کلمات در عبارت‌ها و نظم اسلوب قوی، معجزه است، و جملات آن در ارتباط و انسجام چون بافته‌ای است که هر قطعه‌ی آن مکمل شکل و مقصد آن است؛ و نیز معانی قرآن با الفاظش هماهنگ است به طوری که گویا معانی برای الفاظ ساخته شده و الفاظ چون قالب برای معانی ریخته شده‌اند. (رک: ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

آنچه امروزه در مباحث و رویکردهای جدید به قرآن مشهود است، پرداختن به قرآن به منزله‌ی متنی ادبی است و این امر، البته با اعجاز زبانی قرآن نیز همخوانی دارد؛ به سخن دیگر، در رویکردهای نوین به قرآن، سعی بر این است که علاوه بر اشاره و بررسی قرآن در سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی، به موضوعات کاربردشناسی و گفتمان کاوی نیز پرداخته شود. (میر و عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۱۶)

در راستای همین رویکردهای نوین، در پژوهش حاضر، تلاش خواهد شد ضمن پرداختن به ویژگی خاصّ واژه گزینی در قرآن کریم، جنبه‌های مختلف ساختار معنایی / لغوی قرآن را نیز مورد نظر قرار گیرد.

## ۲- بیان مسأله

چنانکه بارها تأکید شده است و مصادیق تاریخی فراوانی نیز بر آن گواهی می‌دهد، قرآن مجید، دارای آنچنان آهنگ و نظم عالی است که عواطف هر شنونده‌ای را گرچه زبان عربی را نفهمد، برمی‌انگیزد زیرا کلمات نظم، مدّ، غنّه، آخر فواصل، و وقف آن به گونه‌ای است که بیگانه از زبان عربی را به خود جلب می‌کند، اگرچه معنی کلمات را متوجه نشود؛ اما نغمه‌های قرآن، صوتی باشکوه و دل‌انگیز به آن می‌دهد، و هر کلمه‌ای از آن دارای اسلوب بیانی است همچنین هر عبارتی از آن - که

از چند کلمه گرد آمده - از اسلوب‌های جالب سخن برخوردار است که معانی را چون عکسی تمام نما که اجزای آن از صورت‌های گوناگون پدید آمده، و در مجموع نمایشگر صورتی یکنواخت است، نشان می‌دهد. (رک: ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۲۲)

در واقع، قرآن مجید، واژه‌ها را با دقت و ظرافت به کار می‌گیرد و اغلب با بازخوانی دقیق متن قرآن است که معنای تمام و کمال آن واژه مستفاد می‌شود. (میر و عبدالرؤوف، ۱۳۹۰: ۲۸)

در این میان، به نکته‌ی مهمی باید توجه داشت، و آن شگردهای مختلفی است که در واژه‌گزینی قرآنی دیده می‌شود؛ چنانکه به گفته‌ی «مستنصر میر»:

«زبان قرآن، روشن و گویا است و تشبیه و تمثیل، دو مصداق از شگردهای متعدد آن است؛ زبان قرآن هم به زبان عربی جاهلیت شباهت دارد و هم از آن متمایز است؛ واژگان قرآن، گرچه برای آشنایان به زبان عربی، روشن و مبین است، اما دایره‌ی شعاعی کمی دارد؛ تعداد ریشه‌های عربی در قرآن، کمتر از دو هزار [ریشه] است و همین امر، فهم قرآن را برای مخاطبین زیادتر و متنوع‌تر آسان کرده است؛ در عین حال، مخاطب نیز به خوبی می‌داند زبان قرآن به طرز مشخص با زبان شاعران و سخنوران، متفاوت است؛ قرآن واژگان متعارف دارای معانی خاص را در بطن خود جای داده؛ اصطلاحات خاص را ابداع کرده، و سپس این اصطلاحات را در لفافه‌ای از جهان بینی خوش نما پیچانده و آنها را در شبکه‌ی پیچیده‌ای از روابط و مناسبت‌ها قرار داده است؛ تأثیر شبکه وار این رویه، طرحی منسجم از اندیشه‌ی مذهبی ایجاد کرده و زبان پخته‌ی عربی، حکم دروازه‌ی این طرح کلی را ایفا می‌کند؛ از این رو، زبان قرآن در بهترین شکل خود، ابزار بیان مجموعه‌ای از دیدگاه‌های فلسفی، مذهبی و فرهنگی است که قرآن برای فضای عربی در صدر اول اسلام به ارمغان آورد.» (Mir, ۲۰۰۶: ۹۲)

بررسی تک تک واژگان و تعابیر قرآن، یقیناً از حوصله‌ی بحث یک یا چند مقاله خارج است و بحثی پردامنه و مستوفی را طلب می‌کند؛ اما پرداختن به ماده‌ها و ریشه‌های قرآنی - به شکل متمایز و جدا - می‌تواند جنبه‌های مختلفی از قدرت واژه‌گزینی قرآن و أسلوب چندوجهی و متناسب کلام الهی را به نمایش بگذارد. در مقاله‌ی حاضر نیز با درک این خصوصیت، نگارنده تلاش دارد جنبه‌های مختلف معناشناسی ماده «رغب» را در قرآن کریم و بافتار آیات، مورد بحث و بررسی قرار دهد؛ و بخشی از تناسب ظریف واژه‌گزینی در ساختار کلام الله مجید را با تحقیق در منابع متقدم و متأخر و معاجم مختلف لغوی و قرآنی، مورد توجه قرار دهد.

### ۳- هدف تحقیق

مهمترین هدف تحقیق حاضر، بررسی وجوه مختلف معنایی/لغوی ماده «رغب» در ساختار و بافتار قرآن کریم است؛ و از این رهگذر، تلاش می‌شود به شکل موردی، تناسب و انسجام لفظی/معنوی آیات و سوره قرآن، مورد توجه و دقت بیشتر قرار گیرد.

### ۴- پیشینه و سوابق پژوهش

با استقصایی که توسط نگارنده صورت گرفت، مقاله‌ای که به شکل منحصر به وجوه مختلف معنایی/لغوی ماده «رغب» در قرآن کریم پرداخته باشد، یافت نشد؛ اما در متون تفسیری، معاجم مختلف لغوی، قرآنی و... به تناسب آیات و مواد قرآنی، توضیحاتی درباره‌ی این ماده و مشتقات قرآنی اش دیده می‌شود؛ نگارنده در مواقع لزوم، از این دریافته‌ها بهره برده و مأخذ خویش را ذکر نموده است.

## ۵- ارتباط رویکردهای معناشناسی با قرآن کریم

از آنجا که قرآن، متنی مقدّس و قدسی است، از ادب شرعی به دور است که درباره‌ی آن همانند سایر کتاب‌ها سخن گفت یا آن را در معرض پژوهش‌های زبان‌شناسی و مخصوصاً سبک‌شناسی آورد؛ ولی از سوی دیگر از آنجا که قرآن یک سند عظیم الشان زبانی و یک اثر بسیار مهمّ ادبی است، لذا شایسته است با قید احتیاط و رعایت احترام جنبه‌ی قدسی قرآن، بتوان به ضرورت بحث و تحقیق، از این زاویه نیز به آن نگرست و درباره‌ی آن بحث کرد. (رک: خرّمشاهی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶)

زبان عربی به توانمندی شگرفی در کنار اشتقاق‌های صرفی متمایز است، و این امتیاز، آن را به داشتن واژگان بسیار، توانمند ساخته است؛ دلالت صرفی در زبان عربی از درون ساخت آوایی تعیین می‌شود و این برخلاف دیگر زبان‌هایی است که معمولاً به پیشوند و پسوند در رسیدن به دلالت‌های جدید تکیه می‌کنند. (رک: یاسوف، ۱۳۸۸: ۲۵۸)

اولین زیبایی سبکی، در انتخاب مؤثر کلمات و سازگاری آنها نهفته است؛ این موضوع رویکردی سبک‌شناختی در گونه‌ی قرآنی است، که درصدد دست یافتن به تنسيق الفاظ است؛ باید دقت داشت که تغییرات در ساختار نحوی جملات مفروض، منجر به دگرگونی‌های سبک‌شناسی می‌شود. (رک: عبدالرؤف، ۱۳۹۰: ۱۰۵)

در قرآن کریم، جنبه‌ی دین‌شناختی کلام خداوند و جنبه ادبی آن بر هم نقش شده است و این امر از آن روزست که قرآن برای بیان آموزه‌های دین‌شناختی و هدایتی خود از ویژگی‌های ادبی و زبانی و به ویژه علوم قرآنی از قبیل علوم معانی و بدیع، بهره‌ی واقعی و کافی برده است؛ بنابراین وقتی محققانی نظیر «مستنصر میر» و «حسین عبدالرؤف» و دیگران، قرآن را به منزله‌ی اثری ادبی در نظر می‌گیرند،

منظور این نیست که قرآن صرفاً اثری ادبی است و جنبه‌های دیگر از جمله اصول دینی، اخلاقی، فقهی، قضایی، مدنی و غیره را ندارد؛ به روشنی مشخص است که قرآن به تمام شئون زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها نظر داشته است و دستورها و فرامین آن به طور جهان شمول و برای تمام انسان‌ها - نه فقط برای عده‌ای خاص - نازل شده است؛ در واقع، هنگامی که از قرآن به منزله‌ی اثری ادبی سخن به میان می‌آید، منظور کلیتی منسجم و یکپارچه است که تمام آیات و سوره‌های آن در ارتباطی اندام وار با یکدیگر و با سایر آیات و سوره‌های پس و پیش خود قرار دارند. (رک: میر و عبدالرؤف، ۱۳۹۰: ۱۱ و ۱۲)

کلمات قرآن از نظر ادا کردن با مدّ و غنّ، و آهنگ‌های موسیقی، و نغمه‌های شیرین، فصاحتی ویژه دارند، بنابراین تنها تناسب، بین الفاظ از نظر معنی نیست؛ بلکه این تناسب در آهنگ الفاظ نیز به چشم می‌خورد، و اگر خدای متعال، ترتیلی را برای قرآن برگزیده است که در آن نغمه و مدّ و آهنگ الفاظ دیده می‌شود، طبعاً باید هر لفظی به خاطر برتری خودش بر سایر کلمات - نه برتری در مجموع کلام - انتخاب شود. (رک: ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۲۶)

برخی از علمای بلاغت - و در رأس آنها «عبدالقاهر جرجانی» (متوفی ۴۷۱ ق.) - معتقدند لفظ و حروف به تنهایی تأثیری در بلاغت کلام ندارند، بلکه مجموع چیزهایی که در نظم کلام دخالت دارند، مؤثرند؛ و روش نظم نیز به تنهایی مؤثر نیست؛ بلکه ارتباط معانی و هماهنگی الفاظ، به وجود آورنده‌ی سخن بلیغ است. (جرجانی، ۱۹۹۲م: ۴۴)

در سخن «جرجانی» منظور از هماهنگی در الفاظ، آن است که بین واژگان از نظر مخارج و آهنگ‌ها تنافر و جدایی نباشد، بلکه آهنگ‌هایش به هم پیوسته و

مخارجش دارای سهولت باشد، و در نسق واحد با یکدیگر ارتباط و انسجام داشته باشد؛ به طوری که هیچکدام در تلفظ با دیگری ناسازگار نباشد، و هر کلمه چنان با دیگری منسجم باشد که اگر بخواهیم کلمه‌ی مرادفش را جایگزین آن کنیم، سیاق کلام و اسلوب سخن، انسجام نخواهد یافت. (ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۵۴)

در مقابل، گروه دیگر چون - «عمرو بن بحر الجاحظ» - اعتقاد داشتند که حروف و کلمات، آنگاه که حروف و مخارج آن هماهنگ و بدون تکرار باشد، دارای فصاحت می‌باشد؛ بنابراین نمونه‌ی شعر ذیل که در رثای «حرب بن امیه» سروده شده، به علت تکرار و تنافر حروف آن، در نظر «جاحظ» از فصاحت به دور است:

وَقَبْرُ حَرْبٍ بِمَكَانٍ قَفْرِ      وَلَيْسَ قُرْبُ قَبْرِ حَرْبٍ قَبْرٌ

(جرجانی، ۱۹۹۲م: ۵۷)

درباره الفاظ قرآن باید توجه داشت که این الفاظ، در ضمن اسلوب‌های جالب سخن قرار دارند و بسیاری از علمای بلاغت، ایمان دارند که هر لفظی در قرآن، دارای معنایی مستقل و درخشندگی فزاینده است که با کمک عبارت‌ها به صورت جمعی به یکدیگر کمک می‌کنند. (ابوزهره، ۱۳۷۹: ۱۳۰)

در کتاب «الشفا بتعريف حقوق المصطفى (ص)» درباره‌ی نظم و اسلوب دقیق واژگان و عبارات قرآن کریم آمده است:

«وجه دوم از اعجاز قرآن، صورت نظم عجیب و شگفت آور، و اسلوب غریب آن است که سواى سایر اسلوب‌های کلام عرب و روش‌های نظم و نثر متداول در میان آنهاست؛ این اسلوب چه پیش و چه پس از آن، نظیری ندارد و کسی را توانایی نقل چیزی شبیه آن نیست؛ بلکه عقل‌گویندگان را دچار حیرت و پریشانی نمود و قادر نبودند شعر یا نثر یا رَجَز و یا سجعی همانند آن بیاورند.» (قاضی عیاض، ۲۰۱۳م: ۳۲۴)



## ۶- «رغب» در قرآن کریم

در قرآن کریم از ماده «رغب» ۷ واژه مشتق شده، که در ۸ آیه به کار گرفته شده است (رک: مصطفی البدر، ۱۳۹۱: ۴۸۰) که بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۱- رَغَبُ: \* وَمَنْ يَرْغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ\* {جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است.} (البقره: ۱۳۰)

۲- تَرْغَبُونَ: \* وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا\* {از تو درباره حکم زنان سؤال می‌کنند؛ بگو: خداوند درباره آنان به شما پاسخ می‌دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی‌دهید، و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (قسمتی از سفارش‌های خداوند در این زمینه می‌باشد؛ و نیز به شما سفارش می‌کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکی‌ها انجام می‌دهید؛ خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می‌دهد).} (النساء: ۱۲۷)

## ۳- رَاغِبُونَ:

۱-۳- \* وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ\* { (در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند، و بگویند: «خداوند برای ما کافی است! و بزودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می‌بخشند؛ ما تنها رضای او را می‌طلبیم. » (برای آنها بهتر است).} (التوبه: ۵۹)

۲-۳- \*عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ\* {امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه‌مندیم.} (القلم: ۳۲)

۴- رَغَبًا: \*فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ\* {ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر سرعت اقدام می‌کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند.} (الانبیاء: ۹۰)

۵- مَرَّغَبًا: \*مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ\* {سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه‌نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم پیوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود بر نمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.} (التوبه: ۱۲۰)

۶- رَاغِبًا: \*قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَن إِلَهِي يَا إِبْرَاهِيمُ لئن لم تنته لأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا\* {گفت ای ابراهیم آیا تو از خدایان من روی گردانی؟ اگر (از این کار) دست برداری تو را سنگسار می‌کنم، از من برای مدتی طولانی دور شو.} (مریم: ۴۶)

۷- (فَ) أَرَغَبُ: \*وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبُ\* {و به سوی پروردگارت توجه کن!} (الشرح: ۸)

بررسی جنبه‌های معناشناسی ماده «رغب» در قرآن کریم ۱۴۹

در جدول ذیل، ویژگی‌های مختلف مشتقات «رغب» در قرآن کریم ذکر شده است:

ردیف	آیه	نصّ	ماده «رغب»	ترجمه کهن واژه*	مکی یا مدنی	اِعراب**
۱	البقرة / ۱۳۰	*وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ...*	يَرْغَبُ (عن)	ناخواهان شد / روی گرداند / ناخواه شود...	مدنی	فعل مضارع مرفوع به ضمه ظاهره / خبر مقدم / وفاعل هو محذوف
۲	النساء / ۱۲۷	*... وَتَرْغُبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ...*	تَرْغُبُونَ	می بخواهید / خواهان می شوید / خواهش دارید	مدنی	فعل ماضی مرفوع به ثبوت نون / «و» فاعل
۳	التوبة / ۵۹	*... إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ*	رَاغِبُونَ	امید داریم / خواهانیم / امیدواران...	مدنی	خبر إنّ
۴	التوبة / ۱۲۰	*... وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ...*	(لا) يَرْغَبُوا	ناخواهان باشند / ناخواهان باشید / برنگردند...	مدنی	فعل مضارع منصوب به حذف نون / «و» فاعل
۵	الأنبياء / ۹۰	*... وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا...*	رَغَبًا	امید / خواهانی / خواستار...	مکی	حال و منصوب
۶	مریم / ۴۶	*قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنْ الْهَيْبَةِ...*	رَأَيْبُ (عن)	روی گرداننده / ناخواهان / نمی‌خواهی و رها می‌کنی	مکی	خبر مقدم
۷	القلم / ۳۲	*... إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ*	رَاغِبُونَ	امید داریم / پناه بردیم / آهنگ کنندگان...	مدنی	خبر إنّ
۸	الشرح / ۸	*وَالِي رَبِّكَ فَارْغَبْ*	(ف) اَرْغَبْ	امیدوار باش / خواهان شو / خواهش نمای	مکی	فعل امر مبنی بر سکون / فاعل «أنت»

\* برای آگاهی از ترجمه‌های کهن، رک: (یاحقی و گروه همکاران، ۱۳۷۷، ج: ۱ / ۱۸۸ و ج: ۲ / ۴۵۱ و ج: ۲:

۷۶۸ - ۷۶۹ / ج: ۴ / ۱۷۴۰)

\*\* برای آگاهی از اعراب واژه‌ها، رک: (ابوعیبه، ۱۴۳۱ق: ذیل آیات مذکور)

## ۷- بررسی ماده «رغب» در قرآن کریم

ماده «رغب» از ریشه‌ها و مواد قرآن کریم است که بر نوعی از انواع حُبّ دلالت می‌کند؛ چنانکه گفته شد از این ماده، ۷ واژه مشتق (یرغبُ (عن)/ ترغبونَ/ راغبونَ (۲ بار)/ (لا) یرغبوا/ رغباً/ راغبُ (عن)/ (فا) أرغبُ) در قرآن کریم وارد شده، که در ۸ آیه ذکر شده است. (رک: مصطفی البدر، ۱۳۹۱: ۴۸۰)

از منظر لغوی، «رغب» را به «میل و اراده و علاقمندی نسبت به چیزی» (معلوف، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۷۵) و «خواست و آرزو/ میل و طمع/ خواهش و امر مطلوب/ فریبا بودن و کیش داشتن چیزی» (انطون الیاس، ۱۳۷۰: ۲۵۵) و «حرص به چیزی و طمع در آن/ درخواست و طمع/ امر مرغوب/ شدت میل و حرص به چیزی» (العلی الصالح و الشیخ سلیمان، ۱۴۰۱ق: ۲۰۷) و «الرغبة: المحبة لما فيه للنفس منفعة» {رغبت به معنای محبت نسبت به چیزی است که در آن، برای نفس، منفعتی دارد.} (روحی و فیاض بخش، ۱۴۲۹ق: ۲۰۷) معنا کرده‌اند؛ چنانکه مشخص است، در این ماده، معنای محوری حُبّ با «خواستن» و «مایل بودن» توأمان است به همین علت می‌توان در حوزه‌ی معنایی «رغب»، آن نوع از محبتی را اراده کرد که با درخواستِ امر مرغوب توأم باشد و اگر حُبّ، بدون این میل و خواستن باشد، اطلاقِ واژه‌ی «رغب» بر آن، ممتنع خواهد بود؛ بر همین اساس است که «راغب اصفهانی» الرغبه را به معنای شدت اراده و میل و مقتضای حرص نسبت به چیزی می‌داند؛ وی با اشاره به آیه ۵۹ سوره توبه: \*وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ\* (توبه / ۵۹): و آیه ۹۰ سوره انبیاء معتقد است هرگاه گفته شود «رغب فیه» و «رغب إلیه» یعنی آدمی، بسیار نسبت به امری مشتاق و حریص است و آن را به افراط، دوست می‌دارد. (راغب اصفهانی، ۲۰۰۵م:)

۱۹۸) همین معنا در کلام «ابن منظور» نیز آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۴۲۲) «زبیدی» نیز گفته است: «رَغِبَ فِيهِ: أَرَادَهُ، وَ رَغِبَ إِلَيْهِ: ابْتَهَلَ» (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۷۳)

علاوه بر جنبه‌ی معنایی، ساختارِ لفظیِ ماده رغب نیز ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در القای معنا بر مخاطب، تأثیرگذار است؛ در این ماده (= رغب) از لحاظ صوتی: «راء» تعبیری است از روانی و تکرار (رقت ماده)، و «غین» از همبستگی میان اجزای ماده به همراه لطافت؛ بنابراین مشخصه آن دو، تراکم در آن مایع است؛ و «باء» تعبیری از تجمع لطیف به همراه به هم پیوستگی است؛ بنابراین ترکیب حروف، بیانگر پذیرش آن خلأ یا دربرداشتن بسیاری از آن چیزی است که دارای رقت و لطافت است؛ مانند: نوشیدنی و غذا. (حسن جبل، ۲۰۱۰م: ۸۲۱)

معنای محوری ماده «رغب» در سیر تکامل معنایی خود، جلوه‌های گوناگون پذیرفته است؛ محوریت این معانی، پذیرش ماده لطیف، به صورت فراوان یا بسیار می‌باشد، همانگونه که در صرف کردن بسیاری از غذاها و نوشیدنی‌ها صدق می‌کند؛ و از همین قبیل است: «رَغِبَ الرَّجُلُ»: اشتهايش شديد شد و بسیار خورد؛ و «الرَّغِيْبَةُ مِنَ الْعَطَاءِ»: بخشش بسیار؛ و «الرَّغْبَةُ»: حرص بر جمع نمودن، و طمع در یک چیز؛ و «رَغِبَ فُلَانٌ»: بر چیزی حرص ورزید و طمع داشت؛ و «رَغِبَ إِلَيْهِ فِي الشَّيْءِ»: آن را از وی درخواست نمود؛ و «رَغِبَ إِلَيْهِ»: نسبت به او زاری و خواری نمود و دعا کرد. (حسن جبل، ۲۰۱۰م: ۸۲۳)

همچنین باید توجه داشت که معنای مستفاد از ماده «رغب» می‌تواند بیانگر یکی از مراحل حُبّ نیز شناخته شود به طوری که برخی از قرآن پژوهان، تأکید کرده‌اند در کلام الهی، عاطفه‌ی انسانی، مقتضای رغبت در چیزی است تا بتوان آن را به حُبّ منتسب دانست. (ابن طلال الهاشمی، ۲۰۱۰م: ۲۴۷)

معناشناسی واژه حُبّ از منظر اضداد نیز قابل بررسی است؛ نکته‌ی مهمی که باید توجه داشت، آن است که اگر «رغب» به همراه «عن» بیاید، چنانکه در قرآن مجید در دو آیه ی: \* قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَنْ لَمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا\* (مریم: ۴۶) و \* وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ\* (البقره: ۱۳۰) آمده است، معنای نقیضی «روی برگردانید و اعراض کرد» مدنظر می‌باشد. (روحی و فیاض بخش، ۱۴۲۹ق: ۲۰۶) و این دقیقاً متضاد معنای حقیقی و مثبت این واژه - به ویژه همراه با «إلی» - است.

از منظر صرف و نحو، در آیه: \*... وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ...\* (نساء/۱۲۷) {و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید.} می‌توان متناسب با سیاق آیه، حرف جرّ محذوف مناسبی را در تقدیر گرفت، یعنی: «تَرْغَبُونَ فِي...» {زنان نیکو} و «تَرْغَبُونَ عَنْ...» {زنان نکوهش شده} (الصادی، ۱۹۹۵م، ج: ۵: ۱۸۸)

همچنین قابل ذکر است که در قرآن کریم، «يَرْغَبُ» [فعل مضارع معلوم از باب يَفْعَلُ] در سه وجه، به کار رفته است:

۱. رَغَبُ عَنِ الشَّيْءِ: زهد می‌ورزد و دوری می‌گزیند؛ بمصداق: \* وَمَنْ يَرْغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ...\* (البقره: ۱۳۰) بر عکس «يَرْغَبُ فِيهِ»: دوست دارد؛ دلالت: زهد - دوری کردن.

۲. يَرْغَبُ بِنَفْسِهِ عَنِ: خود را فراتر می‌دارد، بمصداق: \*... وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنِ نَفْسِهِ...\* (توبه: ۱۲۰) {و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم‌پوشند.} دلالت: خود را فراتر داشتن.

۳. يَرْغَبُ فِي: می‌خواهد و دوست دارد، بمصداق: \*... وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ...\* (النساء: ۱۲۷) {و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید.} با تقدیر حرف جرّ «فی». (ر.ک: مختار عمر، ۱۴۲۳ق: ۲۱۰)

از لحاظ اعتقادی باید توجه داشت که «رغب» معنای اصطلاحی خاصی پیدا می‌کند و آن، محبت و وصول به چیزی از جانب مطلوب اطلاق می‌شود؛ چنانکه خداوند در آیه ۹۰ سوره الأنبياء مؤمنان را به صورت کسانی وصف می‌کند که با میل و اشتیاق خداوند را می‌خوانند: \*... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ\* البته باید توجه داشت که اگر رغب به میل شدید نسبت به امور دنیوی اطلاق شود، مورد پذیرش دین اسلام نیست و چه بسا مرحله‌ای برای ورود به حوزه‌ی شرک باشد. (عامر عبدالله فالج، ۱۴۱۷ق: ۱۹۵)

علاوه بر رویکردهای معناشناسی فوق که در آثار متقدم و متأخر بروز و نمود یافته است، در متون تفسیری نیز نگاه ویژه‌ای نسبت به معنا و مفهوم ماده «رغب» دیده می‌شود؛ در «تفسیر روض الجنان» ذیل آیه ۱۳۰ سوره بقره آمده است: «... رغب فیه، ضدّ آن باشد که رغب عنه؛ رغب فیه: خواست، و رغب عنه: نخواست و دور شد از او...» (الخزاعی النیشابوری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۴) در تفسیر «مخزن العرفان» درباره‌ی واژه رغب آمده است: «لغت رغب دو معنای متناقض دارد؛ هرگاه عقب درآید آن را «عن»... به معنی اعراض و نفرت آید؛ و هرگاه عقب درآید آن را «فی»، به معنی شوق و میل آید.» (بانوی امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۸۹) در تفسیر آیه ۴۶ سوره مریم نیز درباره‌ی این واژه آمده است: «هرگاه واژه رغب که کلمه راغب از آن می‌باشد به واسطه کلمه «عن» متعدی شود - چنانکه در این آیه است - به معنی بیزاری می‌باشد، و هرگاه به وسیله کلمه «إلی» متعدی گردد به معنی راغب و مایل بودن است.» (نجفی، ۱۳۶۴، ج ۱۱: ۱۵۴) نظیر همین معنا را «علامه طباطبایی» نیز در تفسیر المیزان ذکر کرده اند: «کلمه رغب به طوری که در مجمع [البحرین] آمده از اضداد است، یعنی اگر با لفظ «عن» متعدی شود به معنای نفرت از چیزی

است، و اگر با لفظِ «فی» متعدی شود به معنای میل در آن است.» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۴: ۷۷) در تفسیر آیه ۳۲ سوره القلم، «ملا فتح الله کاشانی» معنای تأویلی از واژه «رغب» ارائه می‌دهد: «(راغبون) رغبت کنندگانیم یعنی راجی به عفو اوئیم یا طالب خیر از او، یا راغب بر فرمانبرداری او یا تائب به سوی او [هستیم].» (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۹: ۳۸۳)

از باب نمونه و نوع برداشتِ مفسران، آیات ۱۳۰ سوره بقره و ۱۲۷ سوره نساء و ۱۲۰ سوره توبه را بررسی می‌کنیم:

در تفسیر «روض الجنان» درباره «وَمَنْ يَرِغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ...» آمده است: «رغب فیه، ضدّ آن باشد که رغب عنه؛ رغب فیه: خواست و رغب عنه: نخواست و دور شد از او.» (خزاعی النیشابوری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۴) «طبرسی» در تفسیر همین آیه نوشته است: «رغبت اگر با کلمه فی متعدی شود، به معنای محبت و چنانکه با کلمه عن متعدی گردد به معنای اعراض نمودن و روی گرداندن است.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۶۳) و در جای دیگر، رغبت را بیشتر بررسی می‌کند و آن را محبتی که حاوی منفعت برای نفس باشد معرفی می‌کند و آن را نقیض ترک و کناره گیری و رهبت می‌داند: «الرغبة: المحبة لما فيه للنفس منفعة و غبت فيه ضد رغبت عنه؛ و الرغبة و المحبة و الإرادة نظائر و نقیض الرغبة الرهبة؛ و نقیض المحبة البغضة و نقیض الإرادة الكراهة و نقول رغبت فيه رغبةً و رغباً و رغبا و رغبی إذا ملّت اليه و رغبت عنه اذا صددت عنه و رجل رغب، نهم شدید الأكل و فرس رغب الشحوه ای كثير الأخذ بقوائمه من الأرض و موضع رغب واسع والرغیبة العطاء الكثير الذي یرغب فی مثله...» (الطبرسی الطوسی، ۱۳۷۹ق.، ج ۱: ۲۱۱) «کاشانی» درباره استفهام مذکور در «و من یرغب...» می‌نویسد: «استفهام برای استبعاد و انکار است از آنکه کسی از ملّت



واضحه غراً، رغبته بگرداند؛ یعنی هیچکس بازنگردد و رغبته نگرداند.» (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۲۱) «فیض کاشانی» رغبته عن را در معنای استبعاد و انکار بیان می‌کند. (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۳) «علامة حائری الطهرانی» درباره‌ی رغبته مذکور در آیه فوق بیان می‌کند: «الرغبة: المحبة والميل لما فيه للنفس منفعة؛ من استفهامية قصد بها التقریر والانكار؛ و رغب في الشيء: اذا ارادوه و رغب عنه: اذا تركه.» (الحائری الطهرانی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۳۱۲)

در آیه ۱۲۷ سوره بقره، مفسران در باب «و تَرْغِبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ...» نکات شایان توجهی را مطرح کرده‌اند؛ «کاشانی» معنای ضدّ را در این آیه وارد دانسته و گفته است: «و ترغیبون: و رغبته می‌کنید در آنکه بخواهید ایشان را اگر جمیله باشند و مال‌های ایشان را بخورید، و یا رغبته می‌گردانید از آنکه به نکاح در آرید ایشان را و مع ذلك منع انکاح غیر می‌کنید با ایشان به جهت طمع در میراث ایشان؛ چه عرب را در جاهلیت عادت بودی که دختر یتیم را که ولایت او تعلق به یکی داشتی، و آن دختر را مالی بودی اگر جمال داشتی ولیّ او را به زنی کردی و مال او برگرفتی، و اگر صاحب جمال نبودی او را منع کردی از شوهر کردن تا بمردی، و مال او را برداشتی، پس قوله: و ترغیبون أن تنکحوهن بر تقدیر فی أن تنکحوهن یا عن أن تنکحوهن است، و محتمل است که حال باشد یا عطف...» (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۳: ۱۲۱)

«شریف لاهیجی» نیز شبیه همین معنا را معتبر می‌داند و فی را در تقدیر می‌گیرد: «و رغبته می‌کنید در اینکه نکاح کنید ایشان را و مال‌های ایشان را به عنف و تعدی مالک شوید، بنابراین ترجمه: و ترغیبون أن تنکحوهن به تقدیر، و ترغیبون «فی» أن تنکحوهن است...» (الشریف اللاهیجی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۵۸) «هاشمی رفسنجانی» نیز در تفسیر خود، معنایی نظیر دیدگاه لاهیجی دارد: «رغبته به ازدواج با دختران یتیم به

قصد پایمال کردن حقوق آنان، در عصر بعثت ... بنابر اینکه بعد از ترغیبون حرف فی در تقدیر باشد که در این صورت، رغبت به معنای تمایل است.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۷۴) «قرائتی» معنای اضرار را در این آیه محتمل می‌داند: «وترغیبون: همچنین تمایل به ازدواج به خاطر تصاحب سهم ارث دختر، نوعی ظلم به دختران یتیم است؛ جمله ترغیبون هم به معنی مایل بودن است و گاهی به معنای مایل نبودن.» (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۵۷)

در آیه ۱۲۰ سوره توبه، مفسران درباره «ولا یرغبوا بانفسهم...» برداشت متمرکزی با توجه به معانی مستفاد از واژه رغبت ارائه داده‌اند؛ «ابوالفتوح رازی» در تفسیر این آیه آورده است: «و نه آن که رغبت نمایند به خویشتن و تن و جان خود از او، و از تن و جان او، یعنی جان خود را صیانت کنند و جان او را ابتدال و تن و جان خود به فدای او نکنند، يقال: رغبت فیه إذا اراده و رغبت عنه إذا لم یرده، این برسیل تعلیل گفت...» (الخزاعی النیشابوری، ۱۳۸۱، ج ۱۰: ۷۷) «طبرسی» نیز در تفسیر این بخش از آیه آورده است: «یعنی بر آنها و بر همه مؤمنان جایز نیست که نفع خود را خواسته و جان خود را حفظ نکنند، و این فریضه‌ای است که خدای تعالی بر ایشان واجب فرموده است روی حقی که رسول خدا (ص) بر آنها دارد از نظر اینکه آنها را هدایت فرموده و از ظلمت کفر به نور ایمان راهنمایی شده‌اند؛ و برخی گفته‌اند معنای آیه این است که راضی نشوند خود در خوشی و آسایش به سر برند و رسول خدا در گرما و سختی باشد، بلکه باید جان خود را سپر جان آن حضرت قرار دهند.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۲۳۴) «شریف لاهیجی» نیز در این باره نوشته است: «ولا یرغبوا بانفسهم منصوب است تا معطوف باشد به یختلفوا، ای و لا أن یرغبوا، یعنی و جایز نیست اهل مدینه و اعراب را اینکه رغبت کنند و اعراض

نمایند به سبب مراعات نفس‌های خود و صیانت و محافظت آن از نفس رسول؛ یعنی جایز نیست که ایشان به واسطه لذات نفس خود و محافظت آن از مراقت و حکم رسول خدا، تجاوز نمایند.» (الشریف اللاهیجی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۲۹)

### نتیجه

قرآن کریم چشمه‌ی زاینده‌ای است که در سراسر تاریخ اسلام، همواره مطمح نظر مسلمانان - عارف و عامی - بوده و خواهد بود؛ در این میان، ساختار زبانی و بیانی کلام الله مجید از چنان انسجام و نظم شگفت آوری برخوردار است که غالب علمای مسلمان از این ویژگی به «اعجاز» تعبیر کرده‌اند؛ بر همین اساس، پرداختن به ساختار و بافتار ویژه‌ی کلام الهی، می‌تواند لمحهای از اسرار الهی و رموز اعجاز بیانی قرآن مجید را نشان دهد.

در تحقیق حاضر، تلاش گردید ماده‌ی «رغب» با توجه به ویژگی‌های معنایی / لغوی کاربردهای این واژه در قرآن، مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ نتایج پژوهش، حاکی بر آن است که در قرآن کریم از ماده مذکور، هفت واژه (= مشتق) در هشت موضع (= آیه) به کار رفته است.

«رغب» در لغت و اصطلاح بر معنای «شدت اراده و میل»، و «مقتضای حرص نسبت به چیزی» دلالت می‌کند؛ نکته‌ی قابل تأمل آن است که ماده «رغب» ب - به تصریح علمای لغت و تفسیر - از اضداد محسوب می‌شود؛ به این معنا که اگر با «عن» متعدی گردد معنای «روی برگردانید»، «اظهار تنفر کرد» و «اعراض کرد» از آن مستفاد می‌شود؛ ولی اگر با «إلی» یا «فی» متعدی گردد، همان معنای شدت حُب و اظهار علاقه و میل مدنظر است.

در کاربردهای قرآنی در شش موضع، رغب به معنای ایجابی و مثبت است و در دو موضع (البقره: ۱۳۰) و (مریم: ۴۶) این واژه همراه با «عن» آمده و معنای سلبی و منفی دارد.

از نظرگاه اعتقادی، همچنانکه در (الأنبياء: ۹۰) نیز تصریح شده، «رغب» به محبت و وصول به چیزی از جانب مطلوب اطلاق می‌شود، که در کلام الهی، در وصف مؤمنان لحاظ شده، و آمده است: آنها کسانی هستند که با میل و اشتیاق خداوند را می‌خوانند؛ از این منظر می‌توان «راغبون» را به عنوان یکی از انواع اوصاف مؤمنان در قرآن مجید، مورد توجه قرار داد.

در مجموع می‌توان گفت در قرآن کریم، میان ساختار و محتوای آیات، پیوند مستحکمی با رویکردهای معناشناسی برقرار است، به طوری که در ماده رغب نیز بنا به سیاق عبارت و اراده‌ی معنایی خداوند، برداشت‌ها و تعبیرات گوناگونی اراده شده است، چنانکه در منظومه معنایی این واژه در آیات قرآن کریم، می‌توان به دریافت‌هایی همچون «حریص بودن»، «خواستن»، «امیدوار بودن»، «پناه بردن»، «روی نمودن و متوجه شدن»، «میل داشتن و آرزو نمودن» اشاره کرد.

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

- ❖ قرآن کریم؛ ترجمه حضرت آیه الله ناصر مکارم شیرازی.
- ❖ ابن طلال الهاشمی، غازی بن محمد، ۲۰۱۰م، الحُبُّ فی القرآن الکریم، اُردن: نشر دائره المکتبه الوطنیه، چاپ سوم.
- ❖ ابن المنظور الأفریقی المصری، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، ۱۵ج، بیروت، لبنان: نشر دارصادر.

- ❖ ابوزهره، محمد، ۱۳۷۹، معجزه بزرگ: پژوهشی در علوم قرآنی، ترجمه محمود ذبیحی، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ❖ ابو عبیده، الشیخ محمد فهیم، ۱۴۳۱ق، مُعجم إعراب ألفاظ القرآن الکریم، قم: انتشارات نوید اسلام، چاپ پنجم.
- ❖ انطون الیاس، انطون، ۱۳۷۰، القاموس العصری، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ هشتم.
- ❖ بانوی امین اصفهانی، ۱۳۶۱، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۰ ج، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- ❖ الجرجانی النحوی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن بن محمد، ۱۹۹۲م، دلائل الإعجاز فی علم المعانی، تحقیق: محمود محمد شاکر أبو فهر، القاهره: مطبعة المدنی، الطبعة الثالثة.
- ❖ الحائری الطهرانی، میر سیدعلی، ۱۳۳۷، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- ❖ حسن جبل، محمدحسن، ۲۰۱۰م، المعجم الإشتقاقی الموصّل لألفاظ القرآن الکریم، قاهره: نشر مکتبه الآداب.
- ❖ خرّمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۸۹، قرآن پژوهی، ۲ ج، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ❖ الخزاعی النیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد ابوالفتوح رازی، ۱۳۸۱ش، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، ۲۰ ج، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ❖ الراغب الإصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۲۰۰۵م، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، لبنان: نشر دارالمعرفه، چاپ چهارم.
- ❖ روحی، محمد و محمد تقی فیاض بخش، ۱۴۲۹ق، تفسیر مفردات القرآن فی ترتیب لغات مجمع البیان والمیزان، تهران: انتشارات احیاء کتاب.

- ❖ الزبیدی، محبّ الدّین ابو فیض السّید محمّد مرتضی الحسینی الواسطی الحنفی، ١٩٩٤م، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، لبنان: نشر دارالفکر.
- ❖ الشریف اللاهیجی، بهاءالدین محمّد، ١٣٦٣، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ❖ الصافی، محمود، ١٩٩٥م، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ، دمشق: نشر دارالرشید، الطبعة الثالثة..
- ❖ طباطبائی، علامه سید محمّدحسین، ١٣٦٣ش، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمّدباقر موسوی همدانی، ٢٠ج، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرّسان حوزہ علمیہ.
- ❖ طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، ١٣٦٠، تفسیر مجمع البیان، ترجمہ: سید ابراہیم میرباقری و همکاران، تهران: انتشارات فراہانی.
- ❖ الطبرسی الطوسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ١٣٧٩ق مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احياء التراث العربی.
- ❖ عامر عبد اللہ فالج، أبو عبد اللہ، ١٤١٧ق، مُعْجَمُ أَلْفَاظِ الْعَقِيدَةِ، الرياض، المملكة العربية السعودية: مكتبة العبيكان.
- ❖ عبدالرؤوف، حسین، ١٣٩٠، سبک شناسی قرآن کریم: تحلیل زبانی، ترجمہ پرویز آزادی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ❖ العلی الصّالح، الصّالح و شیخ سلیمان الأحمد، أمینة، ١٤٠١ق، المعجم الصافی فی اللغة العربیة، ریاض، المملكة العربية السعودية: بی جا.
- ❖ فیض الکاشانی، المولی محسن، بی تا، الصافی فی تفسیر کلام اللہ، مشهد: دارالمرتضی للنشر.
- ❖ قاضی عیاض، أبی الفضل بن موسی الیحصبی، ٢٠١٣م، الشّفا بتعريف حقوق المصطفى، تحقیق عبده علی کوشک، الإمارات العربية المتحدة: منشورات جائزة دبي الدولية للقرآن الكريم.

بررسی جنبه‌های معناشناسی ماده «رغب» در قرآن کریم ۱۶۱

- ❖ قرائتی، محسن، ۱۳۷۴، تفسیر نور، قم: انتشارات موسسه در راه حق.
- ❖ کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۴۴، تفسیر کبیر منهج الصادقین، ۱۰ ج، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ دوم.
- ❖ مختار عمر، احمد، ۱۴۲۳ق، المعجم الموسوعی لألفاظ القرآن الکریم و قراءاته، ریاض، مملکة العربیة السعودیة: مؤسسه سطور المعرفه.
- ❖ مصطفی البدر، رافد، ۱۳۹۱، الرافد لألفاظ القرآن الکریم، قم: منشورات ذوی القربی.
- ❖ معلوف، لويس، ۱۳۸۰، ترجمه المُنجد فی اللّغه، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، ۲ ج، تهران: انتشارات صبا، چاپ دوم.
- ❖ میر، مستنصر و عبدالرئوف، حسین، ۱۳۹۰، مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی، ترجمه ابوالفضل حُرّی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ❖ نجفی، محمد جواد، ۱۳۶۴، تفسیر آسان: منتخب التفاسیر، ۱۵ ج، تهران: انتشارات اسلامیة.
- ❖ هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، ۱۳۷۳، تفسیر راهنما، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ❖ یاحقی، محمد جعفر و گروه همکاران، ۱۳۷۷، فرهنگنامه قرآنی، ۵ ج، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ❖ یاسوف، احمد، ۱۳۸۸، زیباشناسی واژگان قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- ❖ Mir, Mustansir ۲۰۰۶, "The Quran", Ed. Andrew Rippin, Malden, USA: Blackwell Publishing, Chap. ۶ (Language).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی